آسان‌گیری و تسامح

در اسلام

**نویسنده:**

**صالح‌ بن عبدالله بن حمیّد**

**ترجمه:**

**گروه فرهنگی سایت عقیده**

|  |  |
| --- | --- |
| **عنوان کتاب:** | آسان‌گیری و تسامح در اسلام |
| **نویسنده:** | صالح بن عبدالله بن حمیّد |
| **ترجمه:** | گروه فرهنگی سایت عقیده |
| **موضوع:** | اصول و قواعد فقه |
| **نوبت انتشار:**  | اول (دیجیتال)  |
| **تاریخ انتشار:**  | دی (جدی) 1394شمسی، ربيع الأول 1437 هجری |
| **منبع:**  | کتابخانه عقیده www.aqeedeh.com |
|  |  |
| **این کتاب از سایت کتابخانۀ عقیده دانلود شده است.****www.aqeedeh.com** |  |
| **ایمیل:** | **book@aqeedeh.com** |
| **سایت‌های مجموعۀ موحدین** |
| www.mowahedin.comwww.videofarsi.comwww.zekr.tvwww.mowahed.com |  | www.aqeedeh.comwww.islamtxt.com[www.shabnam.cc](http://www.shabnam.cc)www.sadaislam.com |
|  |  |
|  |
| contact@mowahedin.com |

بسم الله الرحمن الرحیم

«إنَّ الحمدلله، نحمده ونستعینه ونستهدیه ونعوذ بالله مِنْ شرور أَنْفسنا وسیّئاتِ أعمالِنا مَنْ یهده اللهُ فلا مضلَّ له ومن یُظِلْ فلا هادي له وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شریك له وأشهد أنّ محمداً عبده ورسوله».

«دین اسلام آخرین پیغام آسمانی است که خداوند آن را برای همه مردم فرو فرستاده است چه در مشرق و چه در مغرب، برای زن و مرد، قدرتمند و ناتوان، ثروتمند و فقیر، دانا و نادان، سالم و بیمار؛ به همین خاطر خداوند عظیم‌الشأن با لطف و کرم خویش پیغام خود را به گونه‌ای نازل فرموده که فهم آن برای هر کسی میسّر می‌باشد و عمل نمودن به آن سهل و آسان می‌باشد. و نیز همه مردم را در خود جای می‌دهد و هر مکلفی می‌تواند آن را انجام دهد. دین اسلام در واقع ابتدا رخصت و مجاز بودن است بعد عزم و اراده، آسان‌گیر و طبیعتی ملایم و نرم دارد، یعنی دین اسلام در پی آن است که مشقت و حرج را از مردم بَر دارد».

آسان‌گیری یکی از اهداف این دین به شمار می‌آید و یکی از ویژگی‌های عمومی آن است چه در احکام، عقیده، اخلاق و معاملات و چه در اصول و فروع دین.

پروردگار ما با لطف و مرحمت خویش بندگانش را به اموری که در آن مشقت و ناراحتی زیاد وجود داشته باشد مکلف ننموده و هیچ وقت نخواسته مردم را در تنگنا قرار دهد و دین خود را به منظور مهر و محبت و آسان‌گیری نازل فرموده است.

شریعت خداوند در توحید و یکتاپرستی دارای توحید ابراهیمی می‌باشد و در عمل دارای ویژگی گذشت و چشم‌پوشی است. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ﴾ [البقرة: 85].

یعنی: «الله متعال براى شما آسانى مى‌خواهد و براى شما دشوارى نمى‌خواهد».

و نیز می‌فرماید:

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ أَن يُخَفِّفَ عَنكُمۡۚ وَخُلِقَ ٱلۡإِنسَٰنُ ضَعِيفٗا ٢٨﴾ [النساء: 28].

یعنی: «خداوند می‌خواهد (با وضع احکام سهل و ساده) کار را بر شما آسان کند و انسان ضعیف آفریده شده است».

و در سوره حج می‌فرماید:

﴿هُوَ ٱجۡتَبَىٰكُمۡ وَمَا جَعَلَ عَلَيۡكُمۡ فِي ٱلدِّينِ مِنۡ حَرَجٖۚ مِّلَّةَ أَبِيكُمۡ إِبۡرَٰهِيمَۚ هُوَ سَمَّىٰكُمُ ٱلۡمُسۡلِمِينَ﴾ [الحج: 78].

یعنی: «خداوند شما را برگزیده است و در دین، کارهای دشوار و سنگین را بر دوش شما نگذاشته است (و بلکه تکالیف و وظایفی مقرر نموده است که با فطرت سالم هماهنگ و با توان انسانی سازگار است. این دین همان آیین پدرتان ابراهیم است. خدا شما را قبلاً (در کتاب‌های پیشین) و در (واپسین کتاب) مسلمین نامیده است».

احکام شرع گذشت و آسان‌گیری و دوری جستن از تکالیف سخت و مشقت‌آور را در نفس مسلمان جا می‌گذارد و وابستگی محکمی به رحمت، بخشش و مغفرت پروردگار پیوند می‌دهد. خداوند در سوره طلاق می‌فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا مَآ ءَاتَىٰهَاۚ سَيَجۡعَلُ ٱللَّهُ بَعۡدَ عُسۡرٖ يُسۡرٗا٧﴾ [الطلاق: 7].

یعنی: «الله متعال هیچ کسی را جز بدان اندازه که بدو داده است مکلّف نمی‌سازد خدا بعد از سختی و ناخوشی گشایش و خوشی پیش می‌آورد».

یُسر یعنی هر کاری که نفس را به زحمت نیندازد و به جسم انسان فشار وارد ننماید. و عسر یعنی هر عملی که نفس آدمی را به سختی و زحمت می‌اندازد و به جسم انسان ضرر می‌رساند. پیامبر ج در حدیثی صحیح چنین می‌فرماید:

«إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ»[[1]](#footnote-1). یعنی: «همانا این دین بر آسان‌گیری پایه‌ریزی شده است پس با مهربانی و آرام در آن وارد شوید».

و نیز از محجن بن ادرعس نقل شده که پیامبر ج فرمود:

«إِنَّ خَیْرَ دینِکُمْ اَیْسَرُهُ، ان خیر دینکم ایسره، ان خیر دینکم ایسره»[[2]](#footnote-2). وفي لفظِ «إِنَّکُمْ اُمَّهٌ اُریدَ بِکْمُ الْیُسْرَ»[[3]](#footnote-3).

یعنی: «بهترین دین شما، دین کسی است که آن را آسان بگیرد» و این جمله را سه بار تکرار نمود». و در روایتی چنین آمده: «شما امتی هستید که آسان‌گیری از شما خواسته شده است. امام احمد با سند صحیح این حدیث را روایت نموده است».

و این نمونه‌ای است از مظاهر آسان‌گیری و تسامح که در قرآن و حتی در شخصیت خود پیامبر ج تجلّی پیدا کرده و در اصول و فروع دین نمایان می‌باشد. خداوند عظیم‌الشأن قرآن را به گونه‌ای نازل فرموده که خواندن آن آسان، فهم و درک آن میسّر و تدبر و ذکر آن برای هر کسی مقدور می‌باشد.

خداوند چنین می‌فرماید:

﴿وَلَقَدۡ يَسَّرۡنَا ٱلۡقُرۡءَانَ لِلذِّكۡرِ فَهَلۡ مِن مُّدَّكِرٖ ٤٠﴾ [القمر: 40].

یعنی: «ما قرآن را آسان ساخته‌ایم، آیا پند پذیرنده و عبرت‌گیرنده‌ای هست»؟

... و یا در سوره مریم می‌فرماید:

﴿فَإِنَّمَا يَسَّرۡنَٰهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ ٱلۡمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِۦ قَوۡمٗا لُّدّٗا ٩٧﴾ [مریم: 97].

یعنی: «ما قرآن را به زبان تو ساده و آسان فراهم آورده‌ایم تا به وسیله­ی آن پرهیزگاران را مژده دهی و مردمان سرسخت را با آن بترسانی».

قرآن کریم به گونه‌ای است که حفظ آن آسان است، هر عقلی آن را می‌پذیرد و قلب‌ها را رام می‌کند، انسان از گوش دادن به آن لذت می‌برد و به هیچ وجه ملالت‌آور نیست اگرچه در آن اسراری نهفته است که تنها دانایان و کسانی که اهل ذکر هستند می‌توانند به آن دست پیدا کنند.

و اما محمد ج خداوند او را به عنوان رحمت هردو عالم مبعوث نموده، او نسبت به ایمان‌داران مهربان است و به آنان حرص می‌ورزد و چیزی که آنان را در تنگنا قرار دهد و یا مشقتی ایجاد کند بر او سخت و گران می‌آید. بار گران آنان را برمی‌دارد و غل و زنجیری که بر آنان بود باز می‌کند؛ پیامبر ج چنین می‌فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْنِى مُعَنِّتًا وَلاَ مُتَعَنِّتًا وَلَكِنْ بَعَثَنِى مُعَلِّمًا مُيَسِّرًا»[[4]](#footnote-4).

یعنی: «خداوند من را نفرستاده که بر خود سخت‌گیری نمایم و یا دیگران را در تنگنا قرار دهم، بلکه من را بعنوان یک معلم آسان‌گیر فرستاده است».

این حدیثی است که بر صحت آن اتفاق شده و لفظ آن از مسلم است.

پیامبر ج درباره خودش می‌فرماید:

«أَمّا أَصُومُ وَأُفْطِرُ، وَأُصَلِّى وَأَرْقُدُ وَأَتَزَوَّجُ النِّسَاءَ، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِى فَلَيْسَ مِنِّى»[[5]](#footnote-5).

یعنی: «ولی من هم روزه می‌گیرم و هم برخی از روزها روزه نیستم، و هم شب‌زنده‌داری می‌کنم و هم می‌خوابم، گوشت می‌خورم و با زنان ازدواج می‌کنم، کسی که از سنت من روی برتابد از من نیست».

ام‌المؤمنین عائشهل می‌فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ج يُحِبُّ مَا خَفَّ عَلَى النَّاسِ»[[6]](#footnote-6).

یعنی: «پیامبر ج آن چیزی که بر مردم آسان بود دوست داشت».

اما این مساله در اصول دین و عقائد:

دین اسلام در این موضوعات به گونه‌ای است که خواسته‌هایش آسان، دلائل آن واضح و روشن می‌باشد! چه در رابطه با ایمان به خدا، اسماءالله و صفات خداوند و یا در رابطه با ایمان به ملائکه و کتاب‌های آسمانی و پیامبران و یا ایمان به روز رستاخیز و به خوب و بد قضا و قدر الهی.

و دلایل بر این مدعی ظاهر و مبرهن است و با نگاهی در آسمانها و زمین و دیگر مخلوقات آشکار می‌شود و با سیر و سفر در زمین و پند گرفتن از آثار ملل گذشته به سادگی بدست می‌آید. برای اثبات این مدعی راه و روش اصحاب رسول ‌الله ج و تابعین و سلف صالح کافی است که اصلاً اهل تکلّف و سخت‌گیری و اختلاف نبودند.

عبدالله بن مسعودس می‌فرماید:

«وَإِيَّاكُمْ وَالتَّنَطُّعَ، وَإِيَّاكُمْ وَالتَّعَمُّقَ، وَعَلَيْكُمْ بِالْعَتِيقِ»[[7]](#footnote-7).

یعنی: «از مشکل‌پسندی و فرو رفتن زیاد در مسائل بپرهیزید و به مسائلی که پیامبر ج و اصحاب پیامبر بر آن بودند بچسبید».

احکام شرعی نیز وضعیت مکلفین را باتوجه به ظروف زمانی و مکانی رعایت نموده است مثلاً در حین سلامتی و بیماری، در مسافرت و یا در خانه و نیز حالت‌های اضطراری را در نظر می‌گیرد. بزرگ‌ترین عبادت نزد خداوند بعد از توحید نمازهای واجب است که اوقات بجای آوردن آن‌ها از طلوع فجر تا غروب خورشید به هم ربط داده شده‌اند.

همچنین به هنگام طهارت اگر آب به مقدار قلّتین برسد خبیث نمی‌شود و اگر استعمال آب، مشکل ایجاد نماید می‌توان تیمم نمود، و به هنگام نماز اگر توانست ایستاده می‌خواند وگرنه می‌نشیند و اگر باز هم مشکل بود دراز کشیده نمازش را بجای می‌آورد؛ خداوند می‌فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَا﴾ [البقرة: 286].

یعنی: «خداوند به هیچ کس جز به اندازۀ توانائیش تکلیف نمی‌کند».

 و به هنگام ضرورت و نیاز می‌توان نمازهای عصر و ظهر و مغرب و عشاء را باهم جمع کرد و یا نمازهای چهار رکعتی را قصر نمود. برای پیامبر ج تعریف نمودند که زنی هست که زیاد نمازهای سنت را می‌خواند، پیامبر ج فرمود:

«مَهْ عَلَيْكُمْ بِمَا تُطِيقُونَ فَوَاللَّهِ لاَ يَمَلُّ اللَّهُ حَتَّى تَمَلُّوا»[[8]](#footnote-8).

یعنی: «نه، چنین نکنید، بلکه آنچه در توان دارید انجام دهید، بخدا قسم، آنگاه که شما ملول و درمانده می‌شوید، خداوند نیز ملول و ناراحت می‌شود».

در احکام شرعی آمده کسی که امام جماعت مردم را به عهده دارد، باید سعی کند در نمازهایش رعایت مردم را بکند چون در میان مردم افراد بیمار و ناتوان و یا کسی که عجله دارد وجود دارد؛ روزه برای فرد سالم و مقیم واجب است ولی برای شخصی که در مسافرت به سر می‌برد و یا بیمار است رخصت داده شده که روزه نباشند.

﴿فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ ٱلشَّهۡرَ فَلۡيَصُمۡهُۖ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوۡ عَلَىٰ سَفَرٖ فَعِدَّةٞ مِّنۡ أَيَّامٍ أُخَرَۗ يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ﴾ [البقرة: 185].

یعنی: «پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسى که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن،] تعدادى از روزهاى دیگر [را روزه بدارد]. خدا براى شما آسانى مى‌خواهد و براى شما دشوارى نمى‌خواهد».

همچنین زکات، حج و جهاد بر کسی واجب است که توانایی انجام آن‌ها را داشته باشد زنان هم احکام مربوط به خود دارند و به گونه‌ای است که با وضعیت آن‌ها سازگاری داشته باشد.

افراد دیوانه، کودک و کسی که در خواب بسر می‌برد مکلف بحساب نمی‌آیند، و نیز خداوند کسانی که دچار اشتباه می‌شوند و یا فراموشکار و یا با زور و اکراه مجبور به انجام کاری شده باشند مؤاخذه نمی‌کند.

قاعده اصلی آن است که هر چیزی حلال و هر چیزی پاک است و نیز مشقت تیسیر و آسانی را می‌طلبد. خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿فَمَنِ ٱضۡطُرَّ غَيۡرَ بَاغٖ وَلَا عَادٖ فَلَآ إِثۡمَ عَلَيۡهِ﴾ [البقرة: 173].

یعنی: « [ولى‌] کسى که [براى حفظ جان خود به خوردن آن‌ها] ناچار شود، در صورتى که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهى نیست».

خداوندأ برای کسی که دچار گناه شده تنها به اندازه­ی گناهی که مرتکب شده مجازات می‌کند و یا شاید او را مورد عفو و بخشش قرار دهد ولی برای کسی که کار خیری انجام دهد حداقل ده برابر پاداش می‌دهد و این پاداش را چند برابر می‌نماید.

هدف از عبادت و فرمانبرداری از خداوند پابرجا ماندن نفس بر راه است و محافظت نمودن از نفس تا دچار کجی و انحراف نشود؛ پس منظور از عبادت، زیاد فرو رفتن در عبادت و شمارش تعداد رکعات نماز و ... نیست. بلکه باید محکم‌کاری نمود و نزدیک شوید و استقامت داشته باشید و به هیچ وجه به تعداد و مقدار توجه نکنید و به اندازه توانایی خود عبادت انجام دهید. زیرا استقامت با عبادتی سهل و آسان هم حاصل می‌شود، انجام عبادتی کم، نفس را آگاه نموده و لذت عبادت را می‌چشاند ... .

انسان وقتی که در انجام عبادت دچار مشقت و ناراحتی شود لذت عبادت را از دست می‌دهد و از مظاهر خشوع دور می‌شود.

دین اسلام طاعات و عباداتی برای ما تعیین نموده که با طبیعت هر انسانی سازگاری دارد بلکه دل و درون آدمی باز شده و انشراح پیدا می‌کند. و به هنگام عید فطر و قربان و یا نماز جمعه احساس مباهات می‌کند، و دستورات دینی درباره­ی خود آراستن و رعایت زیبایی ظاهری و خوشبو نگاهداشتن خود، خانه و مساجد، رعایت نظافت، خواندن قرآن و اذان با صوت زیبا و خوب از مواردی است که آدمی را به وجد می‌آورد.

قرآن می‌فرماید: ﴿يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ خُذُواْ زِينَتَكُمۡ عِندَ كُلِّ مَسۡجِدٖ وَكُلُواْ وَٱشۡرَبُواْ وَلَا تُسۡرِفُوٓاْۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ٣١قُلۡ مَنۡ حَرَّمَ زِينَةَ ٱللَّهِ ٱلَّتِيٓ أَخۡرَجَ لِعِبَادِهِۦ وَٱلطَّيِّبَٰتِ مِنَ ٱلرِّزۡقِۚ قُلۡ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا خَالِصَةٗ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۗ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ٣٢﴾ [الأعراف: 32-33].

یعنی: «اى فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازى برگیرید، و بخورید و بیاشامید و[لى‌] زیاده‌روى مکنید که او اسرافکاران را دوست نمى‌دارد. (٣١) [اى پیامبر] بگو: «زیورهایى را که خدا براى بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزی‌هاى پاکیزه را چه کسى حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمت‌ها] در زندگى دنیا براى کسانى است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز ]خاصّ آنان مى‌باشد.» این گونه آیات [خود] را براى گروهى که مى‌دانند به روشنى بیان مى‌کنیم».

بنابراین، بر مسلمانان واجب است که در همه چیز راه و روشی آرام و آسان در پیش گیرند بدون اینکه وارد مداخله شده و یا تعارفی داشته باشند و یا حق را زیر پا گذاشته باشند بر همه لازم است که در تعلیم و تربیت و دعوت به راه خدا راه آسان‌گیری را پیش گیرند و با دانش‌آموزان و دانشجویان و کسانی که به سوی دین دعوت می‌شوند با رفق و مهربانی با آن‌ها برخورد شود. موسی÷ به عبد صالح می‌گوید:

﴿هَلۡ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰٓ أَن تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمۡتَ رُشۡدٗا﴾ [الکهف: 66].

یعنی: «آیا از تو پیروی کنم بدان شرط که از آنچه مایه­ی رشد و صلاح است و به تو آموخته شده است به من بیاموزی»؟.

سپس می‌گوید:

﴿قَالَ لَا تُؤَاخِذۡنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرۡهِقۡنِي مِنۡ أَمۡرِي عُسۡرٗا ٧٣﴾ [الکهف: 73].

(موسی÷) گفت: «مرا به خاطر فراموش کردن (توصیه‌ات) بازخواست مکن و در کارم بر من سخت مگیر».

مردم را به کارهای آسان و ساده وادار نمائید آنان را به سختی و ناراحتی نیاندازید، به مردم تکالیف سخت و طاقت‌فرسا بار ننمائید. مژده و بشارت بدهید و از نفرت و بیزاری بپرهیزید، آسان‌گیر باشید و سخت‌گیری نکنید. زیرا عطوفت و مهربانی در هر چیزی وارد شود آن را مزیّن می‌کند و از هر چیزی گرفته شود آن را تباه و ضایع می‌گرداند.

ترمذی از عبدالله بن مسعودس روایت می‌کند که پیامبر ج فرمود:

«حُرِّمَ عَلَى النَّارِ كُلُّ هَيِّنٍ لَيِّنٍ سَهْلٍ قَرِيبٍ مِنَ النَّاسِ»[[9]](#footnote-9).

یعنی: «هر کس که با مردم آرام، نرم‌‌خو، آسان‌گیر و به آنان نزدیک باشد آتش جهنم بر او حرام می‌شود».

اهل علم و اجتهاد باید در فتواهایشان راه آسانگیری را پیش گیرند و حال و وضع مکلفین را رعایت نمایند. و مردم را از مواقعی که دچار حرج می‌شوند دور گردانند، و در عین حال باید بدنبال حق و ثواب باشند، سفیان ثوری/ می‌گوید: علم و آگاهی به هنگام رخصت ناشی از ثقه و اعتبار است وگرنه هر کسی تندی و سختی را نیک می‌پندارد[[10]](#footnote-10).

ابراهیم نخعی/ می‌فرماید: هرگاه میان انتخاب دو مساله به مشکل افتادید محبوبترین آن‌ها پیش خداوند آسان‌ترین آن‌ها می‌باشد.

شعبی هم می‌گوید: اگر بر سر دو مساله اختلاف پیدا کردید، آسان‌ترین آن‌ها نزد خداوند بهتر است، خداوندأ می‌فرماید:

﴿يُرِيدُ ٱللَّهُ بِكُمُ ٱلۡيُسۡرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ ٱلۡعُسۡرَ﴾ [البقرة: 85].

یعنی: «الله متعال براى شما آسانى مى‌خواهد و براى شما دشوارى نمى‌خواهد».

کسانی که روی منبر وعظ می‌نشینند و یا در مجالس و شب‌نشینی‌ها رشته کلام را در دست می‌گیرند بهتر است با مهربانی و نرمخویی صحبت کنند و مردم را نسبت به خداوند امیدوار کنند و به او حسن ظن داشته باشند. زیرا بهترین مسلمان کسی است که در دینش آسان‌گیر باشد به همین منظور پیامبر ج موقعی که یک نفر عرب بیابان‌نشین در مسجد نبوی ادرار می‌نمود به اصحاب که درصدد مواجهه با او بودند دستور داد که او را رها کنید، شما باید امتی آسان‌گیر باشید.

زیرا باید این امت در دعوت، رحمت باشد. و برهان و استدلال سالم داشته باشد و در نصیحت کردن اخلاص نیت داشته باشد و بهنگام موعظه و ارشاد نیکوکار و خیرخواه باشند. زیرا شریعت اسلام تماماً بر آسانگیری و چشم‌پوشی تکیه می‌نماید. و راه‌های آسان‌گیری به هیچ‌وجه محدود نمی‌شود، همانطور که می‌بینیم در مبحث معاملات آسان‌گیری یکی از گسترده‌ترین موضوعات می‌باشد، پس ای مسلمانان بیائید در مطالبات خود آسان‌گیر باشیم، در مطالبه مهریه و نفقه، در تقاضای بازپرداخت دَین و قرض، و تنگدستان را یاری دهیم چون هر کسی تنگدست و ناتوانی را یاری نماید خداوند در دنیا و آخرت بر او آسان می‌گیرد.

و کسی که در این دنیا از مسلمانی سختی و ناراحتی بر دارد یقیناً خداوند سختی‌های قیامت او را بر می‌دارد و کسی که مسلمانی را بپوشاند، خداوند در دنیا و آخرت وی را می‌پوشاند. برادران و خواهران ایمانی سعی کنید نسبت به کارگران، مستأجرین، خدمه و موظفین آسانگیر باشید، آنان را به کارهای طاقت‌فرسا که در توانشان نیست مجبور نکنید و اگر مجبور به چنین کاری شدید آن‌ها را یاری دهید.

فرمانروایان و کاربه‌دستان و همچنین پدران و مادران و مردان باید مواظب زیردستان خود باشند و با مهربانی و محبت برخورد نمایند. و مؤاخذه فقط به خاطر حق باشد و سعی کنید عفو و بخشش را پیشه کنید همانطور که قرآن می‌فرماید:

﴿أَلَا تُحِبُّونَ أَن يَغۡفِرَ ٱللَّهُ لَكُمۡ﴾ [النور: 22].

یعنی: «مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید».

سعی کنید همیشه دفع به احسن نمائید و اگر خواستید فرمانروا باشید و به دستوراتت گوش دهند باید دستوراتی صادر نمائید که قابل انجام باشد؛ و به هیچ وجه سخت‌گیر و متشدد نباشید خداوند به پیامبر ج می‌فرماید:

﴿وَلَوۡ كُنتَ فَظًّا غَلِيظَ ٱلۡقَلۡبِ لَٱنفَضُّواْ مِنۡ حَوۡلِكَۖ فَٱعۡفُ عَنۡهُمۡ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لَهُمۡ وَشَاوِرۡهُمۡ فِي ٱلۡأَمۡرِ﴾ [آل‌عمران: 159].

یعنی: «و اگر درشتخوی و سنگ‌دل بودی از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس از آنان درگذر و برایشان طلب آمرزش نما و در کارها با آنان مشورت و رایزنی کن».

پس از لغزش و اشتباه بپرهیزید ... و معذرت را بپذیرید و از اشتباهات چشم‌پوشی نمائید و مردم را به راه درست و سالم راهنمایی کنید و در نهایت محکم‌کار باشید و مژده دهنده و به هم نزدیک شوید.

اللهأ در قرآن می‌فرماید:

﴿لَا يُكَلِّفُ ٱللَّهُ نَفۡسًا إِلَّا وُسۡعَهَاۚ لَهَا مَا كَسَبَتۡ وَعَلَيۡهَا مَا ٱكۡتَسَبَتۡۗ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذۡنَآ إِن نَّسِينَآ أَوۡ أَخۡطَأۡنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تَحۡمِلۡ عَلَيۡنَآ إِصۡرٗا كَمَا حَمَلۡتَهُۥ عَلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِنَاۚ رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلۡنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِۦۖ وَٱعۡفُ عَنَّا وَٱغۡفِرۡ لَنَا وَٱرۡحَمۡنَآۚ أَنتَ مَوۡلَىٰنَا فَٱنصُرۡنَا عَلَى ٱلۡقَوۡمِ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٢٨٦﴾ [البقرة: 286].

یعنی: «خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایى‌اش تکلیف نمى‌کند. آنچه [از خوبى‌] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدى‌] به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانى بر [دوش‌] ما مگذار؛ همچنانکه بر [دوش‌] کسانى که پیش از ما بودند نهادى. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشاى و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویى؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن».

یکی از مواردی که باعث تندروی و سخت‌گیری در دین می‌شود، ناآگاهی و جهل به دین و عدم آگاهی به مقاصد شریعت و در یک کلمه ضعف علم می‌باشد؛ و چه بسا بعضی مواقع آرزوهای نفسانی باعث چنین برخوردهایی می‌شود.

در حدیث صحیح آمده که پیامبر ج فرمود:

«وَلَنْ یُشادَّ الدینَ أحَدٌ إلاّ غلبهُ، فاوغلوا فیهِ برفقٍ»[[11]](#footnote-11).

یعنی: «هر کس در دین شدت و تندروی به خرج دهد شکست می‌خورد، پس با رفق و مهربانی در آن فرو روید».

ابن منیّر می‌گوید: این حدیث یکی از نشانه‌های پیامبری است زیرا همه ما دیده‌ایم و هم کسانی که قبل از ما بوده‌اند دیده‌اند که: هر سخت‌گیر و تندروی شکست خورده است. در این جا منظور ما منع کمال‌طلبی و عبادت در دین نیست. بلکه چنین چیزی پسندیده است، بلکه هدف ما مبارزه با افراط‌گری‌هایی است که به سستی و ملالت منجر می‌شود و زیاده‌روی در مستحباتی است که باعث ترک واجب می‌شود.

ناآگاهی و عدم علم باعث شده بعضی از مردم در مواردی از فروعات دینی غلو و تشدد بخرج داده ولی در مقابل، نسبت به بسیاری از گناهان کبیره می‌گذرند! مانند غیبت، خبر­چینی، قذف، حسد، جستجو در پی عیوب دیگران و عیبجویی از بی‌گناهان، حیله و نیرنگ نسبت به برادران دینی خود که هم‌فکرشان نمی‌باشند! و افشای گناه و عیب دیگران و حتی خوردن و غارت اموال مردم به ناحق!

در این جا باید یادآور شد و تذکر داد که وقتی می‌گوییم آسان‌گیر باشیم و از تندروی بپرهیزیم، نباید چنین نتیجه گرفت که داریم در مسائل دینی اعم از عقیده، احکام و اخلاق تساهل بخرج می‌دهیم و یا داریم از احکام اسلامی عقب‌نشینی می‌نمائیم و در راه نصرت دین خدا کوتاهی می‌کنیم! زیرا رها کردن تربیت فرزندان و گذاشتن آنها در میان عقاید الحادی و آسان‌گیری نیست! و به بهانه تمدن و تقدم و دوری جستن از تحجر نباید مرتکب انواع لهو و لعب حرام شد و بی‌تفاوت بود!

همچنین این آسان‌گیری نیست که برخی از کسانی که خود را به روشنفکری زده و در برابر دشمنان اسلام دم از سماجت و آزادمنشی دین میزنند و از احکام و تعالیم دینی عقب‌نشینی می‌نمایند، سپس وقتی در برابر انسان‌های حق‌طلب و صالح قرار می‌گیرند خشن‌ترین برخورد را می‌نمایند، و حتی شعار آزادمنشی و آسان‌گیری دین را وسیله قلع و قمع داعیان دین قرار می‌دهند و به بهانه تغییرات عصر کنونی به انواع شکنجنه و آزار روی می‌آورند.

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالـمین

1. - امام احمد از طریق خلف ابی ربیع از انس، این حدیث را با این لفظ آورده: «إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلُوا فِيهِ بِرِفْقٍ» (3/198)، هیثمی در الـمجمع (1/62) می‌گوید: امام احمد این حدیث را روایت می‌کند و راویان آن معتبر و ثقه هستند بجز خلف بن مهران که انس را ندیده. والله اعلم؛ البانی در صحیح جامع خودش (2266) آن را حَسَنْ می‌داند. [↑](#footnote-ref-1)
2. - امام احمد آن را تخریج نموده (5/32) و نیز بخاری در الادب الـمفرد: 341 و طبرانی در الکبیر: 20/296 و هیثمی در الـمجمع: 3/308، می‌گوید: راویان این حدیث همگی صحیح می‌باشند بجز رجاء بن ابی رجاء که ابن حبان او را ثقه می‌داند. و البانی در صحیح‌الادب خود (260) آن را حسن می‌داند. [↑](#footnote-ref-2)
3. - مسند امام احمد: 5/32. [↑](#footnote-ref-3)
4. - مسلم در باب طلاق: 1478، این حدیث را از جابرس تخریج نموده، ولی نزد بخاری وجود ندارد. والله اعلم. [↑](#footnote-ref-4)
5. - امام بخاری در باب نکاح: 5063، و مسلم نیز در باب نکاح: 1401، این حدیث را آورده و از جمله احادیثی است که انسس آن را روایت کرده ولی نزد بخاری و مسلم جمله «وآكل اللحم» وجود ندارد. [↑](#footnote-ref-5)
6. - امام احمد: 6/168، و عبدبن حمید: 1478، از عبدالرزاق از معمر از زهری از عروه و از عایشهل روایت نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-6)
7. - دارمی در مقدمه سنن خود این حدیث را آورده (142 و 143). [↑](#footnote-ref-7)
8. - امام بخاری در مبحث ایمان (43) و مسلم در باب صلاة المسافرین (785) این حدیث را از حضرت عایشهل نقل نموده‌اند. [↑](#footnote-ref-8)
9. - سنن ترمذی در کتاب صفة یوم القیامة: 2488، به همان نحو آن را آورده، و نیز امام احمد: 1/415، به همان نحو آن را آورده، و نیز امام احمد: 1/415، با لفظ خود آن را تخریج نموده، و ابن حبان (469، الاحسان) و طبرانی در الکبیر: 10/231، و جود المنذری در الترغیب: 2/354، إسناد الطبرانی، البانی هم در صحیح الترغیب: 1744، آن را صحیح می‌داند، و به سلسلة الصحیحة: 938، بنگرید. [↑](#footnote-ref-9)
10. - ابن عبدالبر در التمهید: 8/147، به همین گونه از معمر روایت نموده. [↑](#footnote-ref-10)
11. - بخاری در مبحث ایمان (39) این حدیث را از ابی هریرهس روایت کرده ولی جمله «فاوغلوا فیه برفق» را ندارد. [↑](#footnote-ref-11)